



تاریخ: ۵ سپتامبر ۲۰۲۳

حفیظ الله خالد

تله های قاچاقبران (3)

(سرگذشت واقعی با اندک تغیر)

خلاصه دو بخش قبلی

بعد از آنکه محسن با مادر و خانم اش بنام رویا در راه سفر به اروپا از طریق ایران وارد ترکیه شده مدتی را در انتظار رفتن به یونان در مهمانخانه قاچاقبری بنام امیر در استانبول سپری نمود، امیر به رویا که از زیبایی کم نظیری برخوردار بود چشم دوخته و در راه مسافرت به یونان رویا را به بهانه اینکه قایق گنجایش مسافر بیشتر را نداشته از شوهرش جدا و با این وعده که در قایق بعدی در همان روز او را به یونان خواهد فرستاد رویا را دوباره به استانبول برگردانده در اپارتمان شخصی خودش مجبور به اقامت نمود. برای مطالعه قسمت های قبلی به ارشیف نویسنده مراجعه نمائید لطفاً به بقیه ماجرا توجه فرمائید

ح خالد

رویا چگونه تطمیع و خاموش ساخته شد:

امیر با این تهدید که اگر رویا به پرخاشگری خویش ادامه دهد فلمی را که وی بدسترس دارد به خانواده او ارسال و بر علاوه آنرا در رسانه های اجتماعی نیز به نشر خواهد سپرد توانست رویا را که در یک خانواده سنتی بزرگ شده و با همچو نیرنگ های پلید و شیطانی قاچاقبران آشنائی نداشت ترسانیده و خاموش نگاه دارد او به رویا هر هفته وعده می سپرد که در هفته

د پانویسمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

بعدی و نخستین گیم (نام مستعار ارسال گروه مسافران جانب یونان) ویرا به یونان خواهد فرستاد مگر وقتی روز موعود فرا میرسد وی مشکلات امنیتی در راه و یا آب و هوای نامساعد را بهانه می آورد، در حالیکه (گیم) های امیر بطرف یونان بطور منظم در هر یکی دو هفته حرکت و وی این موضوع را از رویا که با بقیه مسافران در تماس نبود مخفی نگاه میداشت خلاصه هفته ها به همین منوال یکی بعد دیگری سپری و امیر یک هفته را به هفته دیگر موکول می نمود، امیر در جریان این مدت موبایل گرانبهای را به رویا خریداری نمود تا از طریق آن با خانواده خویش در تماس گردد، رویا هر روز از وی چنین درخواست مینمود. در روزهای نخست رویا برای آرامش خاطر شوهر و مادر شوهر خویش هنگام صحبت تلفونی از امیر تمجید بعمل آورده که گویا انسان با ناموس و مؤمنی بوده و وی در این مدت با خانواده او بود و باش داشته امیر را به ندرت می بیند، هر باری وی میخواست با شوهر و یا دوستان خویش صحبت نماید برای آنکه مورد سوء ظن قرار نگیرد در اتاق دیگر پارتمان رفته و از آنجا با آنها صحبت می نمود .

در یکی از شب ها ناوقت محسن به رویا زنگ زده تا از احوال وی اطلاع حاصل و هم علت تأخیر مکرر مسافرت ویرا جویا شود رویا اینبار بیدون آنکه به اتاق دیگری رفته تلفون را اوکی نمود تصادفاً محسن اینبار از طریق ویدو کال با رویا تماس گرفته بود ، وی با تعجب امیر قاجا قبر را نیز در کنار رویا آنهم در نیمه های شب مشاهده نمود وی از رویا علت موجودیت امیر را در آنوقت شب در اتاق وی پرسید، رویا که به اصطلاح دست و پاچه شده بود ، دلایل و بهانه های مختلفی آورد که هیچکدام آن قناعت محسن را فراهم نموده نتوانست ، غیرت

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

افغانی محسن با دیدن آن صحنه بجوش آمده بود شاید آن لحظات و آن شب یکی از تلخ ترین شب های زندگی وی بود ولی هیچکاری از دست وی ساخته نبود وی در لاگری با مادرخویش در یونان اقامت داشت نه اجازه سفر را داشت و نه میتوانست از امیر به مرجعی شکایت نماید، رویا نیز در کشوری دیگری صد ها کیلومتر از وی فاصله داشت وی از فرط قهر و غضب تنها توانست ارتباط تلفون را قطع نماید، وی فردای همان روز و در روز های بعد چند بار دیگر نیز با رویا صحبت های پرازتشنج داشت و بالاخره سخن به جای رسید که رویا از محسن خواست تا طلاق نامه ویرا بفرستد.

از جانب دیگر با گذشت هر روز رویا شدیداً تحت تاثیر زندگی پر زرق و برق امیر قرار میگرفت او دیگر آن رویای سابق نبود امیر قاچاقبر که از راه های غیر قانونی و قاچاق انسان ثروت هنگفتی را در ترکیه بدست آورده بود با خرید لباس ، زیورات و موبایل گرانبها رویا را روز بروز تطمیع نموده توجه ویرا هر روز بطرف خود بیشتر جلب می نمود ، رویا در کابل تجربه زندگی در شرایط نامناسب اقتصادی را داشت و محسن که در ماه های اخیر وظیفه و منبع عاید خویشرا نیز در کابل از دست داده بود حتی در تهیه مایحتاج زندگی به مشکل مواجه بود چه رسد به خرید لباس گرانبها و زیورات برای رویا ولی اکنون امیر همه نیازمندی های رویا را فراهم نموده و همین زندگی مفشن و لوکس رویا را بکلی تحت تاثیر قرار داده با گذشت هر روز رویا بیشتر و بیشتر مجذوب زندگی پر زرق و برق با امیر میشد او به خواست امیر پوشش حجاب و چادر را که تا رسیدن به استانبول نیز از آن استفاده می نمود ترک و آنرا به دامن و لباس های کوتاه اروپائی تعویض نمود امیر برای جلب توجه رویا ، او را برای چند

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکی په خیر و لولی

روز به سفر تفریحی به شهر آنتالیا ترکیه برد، با دیدن مناظر و سواحل آن شهر در بازگشت از آنجا رویا بکلی تغییر نمود، رویا همچو مناظر و سواحل بحر را فقط در فلم ها مشاهده نموده بود و اولین باری بود در زندگی آنرا به چشم سر می دید. رویا که خودش نیز از زیبایی فوق العاده برخوردار بود اکنون با پوشیدن لباسهای گرانبهای اروپائی بیشتر به مدل ها شباهت پیدا نموده بود.

پلان های بعدی امیر:

امیر قاچاقبر که از راه های نامشروع و از آن جمله قاچاق انسان به ثروت سرشاری در ترکیه دست یافته بود طی سالها در فریب، دروغ، حدعه و نیرنگ مهارت یافته بود در وجود وی دیگر از افغانیت، انسانیت، غیرت و مردانگی چیزی باقی نه مانده، وی حاضر بود برای بدست آوردن پول و ثروت بیشتر، از همه ارزش های انسانی و اسلامی بگذرد، گذشت زمان و حوادث هفته های بعد این موضوع را بکلی ثابت نمود.

طوریکه درسطور قبلی تذکر رفت وی برای پیشبرد کاروبار غیر قانونی خویش در ترکیه توانسته بود با تعداد از مقامات در نیروهای امنیتی و شعبات ویژه و پاسپورت ترکیه روابط دوستانه شخصی برقرار نماید هدف وی از این روابط آن بود تا هنگام پیدا شدن کدام معضله با پولیس و هم تهیه اسناد جعلی برای مسافران از این دوستان شخصی خویش کمک بخاوهد، امیر برای خوشنودی آنها وقتاً فوقتاً مهمانی ها و محافل خوشگذرانی شبانه را برای ایشان ترتیب می نمود، امیر که با همه ارزش ها و صفات انسانی و غیرت افغانی دیگر وداع نموده و فقط در جستجوی جمع آوری ثروت به هر قیمت بود با گذشت هر روز اهداف و پلان پلید وی از به

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په خیر و لولئ

گروگان گیری رویا بیشتر برملا میگشت ، و ثابت میگردید که وی حاضر است برای بدست آوردن ثروت بیشتر، از همه چیز بگذرد ،امیر در این شب نشینی ها رویا را که از زیبایی فوق العاده برخوردار بود به دوستان ترکی خویش پیشکش نموده تا آنها را خوشنود نگاه دارد.

بعضاً وقتی روابط وی با دوستان وی که در ادارات مهم دولتی آنکشور کارنموده دوچارکدام مشکل میگردید وی در زمینه از رویا کمک میخواست ...خلاصه اینکه رویا در ظرف چند ماه از یک زن با عفت و با حجاب شوهر دار و پایند به ارزش های خانوادگی به یک اله و وسیله خوشگذرانی در پارتی های شبانه امیر و دوستان وی مبدل گشت، رویا بعد از مدتی با تعدادی از شهروندان ترکی نیز معرفت حاصل و دید و بازدید را با آنها آغاز و سرانجام پای رویا به کاباره ها و کلب های شبانه در استانبول نیز کشانیده شد....

اینبود سرگذشت تلخ یک خانم باعفت که بوسیله یک قاچاقبردرمسیر راه از خانواده اش جدا و به بیراهه کشانیده شد .

آنچه ازین سرگذشت غم انگیز که شیرازه یک خانواده مهاجر هموطن ما را در جریان سفر از هم پاشیده میتوان گرفت اینست که هرگز به وعده قاچاقبران انسان اعتماد نه نموده ، به سفر جدا از هم تن نداده ومهمتر از همه قبل از سفر از تله های گوناگونی که این قاچاقچیان درمسیر راه برای مسافران گذاشته اند لازم است همه آگاه باشیم .

والسلام

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ